

چرا در بازارهای مالی کال می شویم؟

استاد کارینا کلاس این هفته را در یکی از بیابان های حومه شهر برگزار کرد بیابان به اعتقاد او جایی است که انسان می تواند ذهن خود را خالی کند. "هیچ" واژه ای است که می توان به بیابان نسبت داد و گاهی لازمه انسان برای خالی کردن امیال درونی خود به بیابان نشینی روی آورد حتی برای مدت کوتاه و چند ساعته. تا ضمن خلوت کردن با خویشتن ذهن خود را نیز از هیجانانگیز و در هم پیچیدگی های روزمره خالی کند.

درس امروز استاد در مورد کال شدن در بازار های مالی است. کال شدن یا اصطلاحا کال مارجین به معنای از دست دادن همه پول و به صفر رساندن سرمایه می باشد. که این موضوع یکی از اجزاء بازارهای اهرم دار است یعنی بازاری که به شما توانایی این را میدهد که چند برابر موجودی خود را در خرید و فروش وارد کنید و به اصطلاح به شما اعتبار می دهد.

استاد کارینا و شروع کلاس:

علت کال شدن ساده است یعنی شما با توانی بیش از تحمل حساب خود وارد معامله شده اید لذا اگر حرکت بازار در خلاف پیش بینی شما پیش رود با چند کندل بالا و پایین شدن حساب شما صفر می شود. از این رو وقتی با حجم سنگین (فراچارت : اصلاحا با لاتنج بالا) وارد معامله ای می شوید این احتمال کال شدن هم افزایش می یابد.

فرایند کال شدن شاید ساده باشد و حتی در کمتر از چند دقیقه اتفاق بیفتد ولی درمان و بر طرف کردن آن نیاز به ماهها و حتی سالها تمرین دارد. پروسه درمانی این مشکل دقیقا به پیچیدگی درمان سرطان است که نیاز به صبر و پیاده سازی درمان های خاص دارد. شما شاید در ظاهر مشکلی خاصی نداشته باشید ولی از بدترین بیماری معامله گری در حال رنج هستید و اگر آن را درمان نکنید ضررهای مالی کوچکترین پیامدهای منفی این سرطان برای شماست.

تا اینجا صورت مسئله به خوبی بیان شد اما راه حل های کاربردی برای درمان این سرطان چیست.

راه درمانی اول:

در ابتدا کلن این تصور را از ذهن خود پاک کنید که یا مرگ یا آزادی، یا خیلی پول بدست می آورم، یا این پولم را نیز از دست میدهم. این فکر موزیانه دقیقا یعنی به چشم قمار به معاملات خود نگاه کردن است. پس اولین گام دوری از این ذهنیت هست که "باید خیلی سریع و با هر بهایی در این مارکت ثروتمند شد". یک بازرگان و یک سرمایه گذار چیره دست هرگز سرمایه خود را در معرض ریسکهای خانه مان سوز قرار نمیدهد.

راه درمانی دوم:

اکانت معامله گری خود را شارژ کنید و آماده به معامله ولی معامله ای انجام ندهید، بگذارید قیمتها در مقابل چشمان شما بالا و پایین رود و شما با اینکه پول در حساب خود دارید معامله نمی کنید با این کار به ضمیر ناخودآگاه و آن بعد از شخصیت شما که میل به ضرر و خودسری دارد می فهمانید که افسار حساب دست شماست و هر موقع که لازم باشد معامله می کنید. گاهی وقت ها باید بدن و ذهن را از عادت گرفت چرا که عادت های نادرست خیلی زود در شما نهادینه و تبدیل به قسمتی از شخصیت شما میشود. و البته در معامله گری می تواند آثار سوء خیلی زیادی به همراه داشته باشد.

روان شناسان می گویند: عادت ها سلسله رفتارهایی را شامل می شوند که به ما کمک کنند تا کمتر بیندیشیم و فعالیت های روزانه مان را سریعاً انجام دهیم و فرصت های زمانی بیشتری را در اختیار داشته باشیم. اما از دگر سو آنان معتقدند که عادت، فعالیت تکرار شونده ای است که وابسته به هیچ منطقی نیست.

ساکنان ساحل، پس از مدتی صدای امواج را نمی شنوند، چه تلخ است قصه عادت

دانشجویان عزیزم شاخ و برگ دادن به این موضوع در حوصله این کلاس نیست ولی راههای زیاد وجود دارد برای تمرین کردن روی مقوله عادت، مثلا اگر مسیرهای مختلفی به خانه یا محل کار شما وجود دارد همیشه از یک مسیر نروید یا گاهی که بدنتان شدیداً عطش آب سرد دارد آب گرم بنوشید و از این شکل عادت شکنی ها.

راه درمانی سوم:

کل سرمایه ای که قصد دارید در مارکت سرمایه گذاری کنید را به چهار قسمت تقسیم کنید، مثلا اگر ده هزار دلار قصد سرمایه گذاری دارید فقط ۲۵ درصد آن که معادل ۲۵۰۰ دلار است را وارد حساب معامله گری خود کنید. حال اگر توانستید با این مبلغ برای خود سودی بسازید و برای چند ماه متوالی ادامه داشت (فراچارت: یعنی سود مستمر) اجازه دارید ۲۵ درصد بعدی را به عنوان جایزه وارد حساب خود کنید در غیر اینصورت بصورت موقت از بازار خارج شوید و به تجدید روان و دانش خود بپردازید این عملا نوعی تنبیه برای شماست

راه درمانی چهارم:

من اعتقاد دارم ذهن یک معامله گر نسبت به قمار حس خوبی داره و از قمار لذت می بره و اگر ذهن را از این خواسته درونی دور کنیم می تواند نتایج نامناسبی را به همراه داشته باشد. فرض کنید شما معامله گری هستید که علاقه دارید در روز ده ها بار معامله کنید. خوب این به خودی خود رفتار نادرستی هست با ریسک بالا. افراد حرفه ای بصورت هفتگی و ماهیانه معامله می کنند و در گیر اسکالپ (فراچارت: یعنی نوک زدن به معاملات) نمی شوند.

از آنجایی که شما عادت به این سبک معامله دارید به شما توصیه دارم دو حساب برای خود درست کنید یک حساب اصلی که در آن با حوصله و تامل معامله می کنید و حساب دیگر برای معاملات پر ریسک. چرا که اگر من به شما بگویم از فردا معاملات قمار گونه خود را کنار بگذارید کاری عملا دشوار است و ممکن است این فشار روانی در یک جا منفجر شود، و در یک موقعیت نامناسب و در حساب اصلی شما خودش را بروز دهد و منجر به ضررهای جبران ناپذیری گردد. لذا دو حساب داشته باشید تا بتوانید به آن قسمت از ذهن خود که عاشق قمار هست نیز جایی برای جولان بدهید این کار باعث می شود که حساب اصلی شما که مبلغ سنگین تری نیز در آن گذاشته اید از حملات قمار گونه معاملات شما محفوظ بماند. شما قطعا بعد از گذشت ماهها و یا حتی سالها به این درک خواهید رسید که کم کم باید معاملات قمار گونه خود را حذف کنید چرا که آن یکی حساب شما خود خبر از شرح واقعه می گوید و به آرامی رشد مناسبی کرده.

راه درمانی پنجم:

حد ضرر واجب ترین زره دفاعی شما در مارکت است. لذا به شدت به آن مقید باشید. کسی که حد ضرر ندارد یک تریدر ترسو هست چون از ضرر می ترسه چون نمی تونه ضرر را تحمل کنه و همیشه فکر می کنه ضررها جبران میشه. کسی که حد ضرر نمیزاره عملا این ریسک را قبول کرده که “ای قیمتها هر کجا بروید من هم با شما خواهم آمد”.

حتی کسانی که حد ضرر ذهنی دارند نیز در اشتباه هستند چون وقتی ضرر رسید به منطقه ذهنی شما که باید معامله دستی بستی بشه ممکنه در معرض این وسوسه قرار بگیرید که کمی تسامح به خرج دهید و دامنه ضرر خود را وسیع تر کنید، و صد درصد این تیر خلاص به حساب شماست چرا که ضرر که از یک حدی بیشتر شد باعث میشود که معامله گر احساس دلسردی کند و حساب را به خیال واهی شاید روزی بازار برگردد، به حال خودش واگذار کند. و عزیزانم در ۸۰ درصد مواقع بازار بر نمی گردد و تنمه پول شما نیز از بین میرود و ای کاش فقط پول از بین میرفت شما خیلی چیزهای دیگر را نیز در کنار آن از دست می دهید.

راه درمانی ششم:

مدیریت سرمایه یکی از راه کارهای اساسی جلوگیری از ضرر و کال شدن است. مدیریت سرمایه بحث سنگینی هست ولی اگر بخوام به فرمول ساده از آن برای شما ارائه کنم تا از حساب خود محافظت کنید این است که به ازای هر ۱۰۰ دلار موجودی در حساب خود شما مجاز هستید یک صدم لات معامله باز داشته باشید البته بعضی ها از این هم سخت گیر تر هستند ولی لزومی به این همه سخت گیری نیست.

پس اگر یک حساب ده هزار دلاری را مدیریت می کنید نباید کل معاملات باز شما از یک لات فراتر برود در غیر اینصورت شما دارید روی لبه پرتگاه قدم میزنید.

راه درمانی هفتم:

حتما قسمتی از سودهایی که از مارکت بدست می آوردید را در دوره های مشخصی بیرون کشیده و خرج کنید. بگذارید لذت خرج کردن این سودها در ناخودآگاه شما ثبت شود و ذهن شما با این سودها رابطه دوستی برقرار کند چرا که معمولا ممکن است خود ما بر این باور باشیم که این پول و این سود حق ما نیست لذا ذهن روشی برای برگرداندن آن به بازار و تبدیل آن به ضرر پیدا میکند.

پلی به سودی موفقیت

درمان این سرطان در نهایت باعث ایجاد ثروت و سلامتی روان برای شما خواهد بود. حتی اگر تکنیکال نیست خوبی نیستید ولی با درمان این سرطان من به شما قول میدهم در این مارکت ماندگار خواهید شد. درمان این بیماری پلی به سمت موفقیت است.